



مراتب و تطورات نفس؛ از نفس اماره تا نفس راضیه و مرضیه

همان طور که بدن انسانها دارای اشکال و الوان مختلفی است نفس نیز دارای حالات و کیفیات گوناگون است که شامل مراتب اماره، مسؤله، ملهمه، لوامه، مطمئنه، راضیه و مرضیه است.

همان طور که بدن انسانها دارای اشکال و الوان مختلفی است نفس نیز دارای حالات و کیفیات گوناگون است که شامل مراتب اماره، مسؤله، ملهمه، لوامه، مطمئنه، راضیه و مرضیه است. به گزارش خبرگزاری مهر، نفس گوهری ملکوتی است که بدن را در نیازهای خود به کار می گیرد. به سخن دیگر، نفس هر کاری را که بخواهد انجام دهد، باید به وسیله بدن و اعضای بدن باشد، برخلاف عقل که جوهری است جبروتی و در افعال خود نیازی به بدن و اعضای بدن ندارد. از این روست که می گویند نفس از نظر ذات، مجرد است، اما از نظر فعل، مادی، ولی عقل هم از نظر ذات مجرد است و هم از نظر فعل.

همان طور که بدن انسانها دارای اشکال و الوان مختلفی است نفس نیز دارای حالات و کیفیات گوناگون است. هر حالتی از حالات نفس را مرتبه ای از مراتب نفس می شمارند. حالات و مراتب نفس عبارت است از اماره، مسؤله، ملهمه، لوامه، مطمئنه، راضیه، مرضیه و... در این جا این مراحل را به اختصار توضیح می دهیم.

تحولات و تطورات نفس، گاهی تکاملی نیست یعنی نفس سیر صعودی می کند و اوج می گیرد و بر طارم اعلا می نشیند و گاهی این تحولات انحطاط آمیز است، یعنی نفس سیر نزولی می کند و در وادی حسیض قرار می گیرد. گاهی به معراج حق یقین عروج می کند و بر عرشه عبودیت که بالاترین مقام انسانیت است ارتقا می یابد و به مقام والای رضا می رسد و گاهی که در سیه چال شک و تردید می افتد و به گناه و معصیت آلوده می شود و "أدنی من البهائم" لقب می یابد.

- نفس اماره

نفس گاهی حالت سرکشی و شوق به گناه پیدا می کند و انسان را به معصیت می کشد و در نتیجه انسان را به تباهی سوق می دهد در این حالت نفس را "اماره بالسوء" می گویند. "اماره" صیغه مبالغه و از ماده امر است؛ یعنی بسیار امر کننده. نفس گاهی تمام عواملش از گوش، چشم، زبان و... گرفته تا سایر اندام ها را به گناه امر می کند. در واقع از هواهای خود پیروی می کند و گاهی تمام عواملش را به طرف صواب فرمان می دهد و از مقام عقل اطاعت می کند. در هر دو صورت به نفس "اماره" گفته می شود. اما از نظر متشرع این لفظ "اماره" به طور مطلق در معنای منفی حالت اولی استعمال می شود، یعنی از لفظ اماره، "اماره بالسوء" اراده می کنند. چنانچه در قرآن شریف نیز به همین معنا آمده است. آنجا که می فرماید: من نفس خود را تبرئه نمی کنم، زیرا نفس قطعاً به بدی فرمان می دهد.

- نفس مسؤله

نفس گاهی شیطنت و فریبکاری می کند. اعمال و کارهای زشت را به صورت زیبا جلوه می دهد در این صورت، نفس را مسؤله می نامند مانند نفوس برادران یوسف صدیق. این برادران کشتن و یا به چاه افکندن یوسف را زیبا می دیدند و نابودی مظهر کمال و الگوی جمال را برای خود کرامت می پنداشتند. از این رو دست به کار زشت و ناپسند زده او را در چاه عمیقی افکندند و رفتند. آنان چون جریان را به پیر کنعان گزارش دادند ناراحت و افسرده خاطر گردید و فرمود: نفوستان کار بدی را بر شما آراسته و فریبتان داده است پس باید شکیبایی خوبی نمود و از خدای بزرگ یاری خواست. بنابراین نفس مسؤله یعنی نفس فریب دهنده و گول زننده.

- نفس ملهمه

گاهی نفس مورد لطف و عنایت ذات حق جلّ و علا قرار می گیرد و راه و چاه را به او نشان می دهد، یعنی راه فساد و گناه و انحراف و هم چنین راه هدایت و صلاح و سداد را به او ارائه می کند؛ در این صورت به نفس، "نفس ملهمه" می گویند. چنانچه در سوره مبارکه شمس می فرماید؛ در این وضعیت گروهی طریق فساد و کجروی را در پیش می گیرند و به درکات جحیم می شتابند. گروهی دیگر راه صلاح و صراط مستقیم را انتخاب می کنند و لباس تقوا می پوشند و اهل بهشت می شوند.

- نفس لوامه

نفس انسان برای آن که به خود محبت دارد، هم خود را و هم کارهای خود را دوست می دارد. این علاقه به قدری شدید است که حتی زشتی های خود را به صورت زیبا می بیند. غالباً آن کسی که دزدی و راهزنی را پیشه راه خود قرار داده هرگز فکر نمی کند که این کار کار زشتی است، بلکه این کار را برای خود افتخار می داند، اما گاهی هم با اندیشه و تفکر سر عقل می آید و به زشتی های عمل

خود پی می برد و پیش وجدان خود شرمنده می شود. در این حالت به خود می آید و خود را سرزنش می کند در این صورت به نفس "نفس لوامه" می گویند. اگر نفس این حالت را پیدا کند حالت بسیار خوبی خواهد بود و در واقع از ارزش و اعتبار خود را به دست آورده است.

- نفس مطمئنه

نفس گاهی در زمینه اصول و عقاید و معارف اسلامی از وادی شك و تردید خارج می شود و خود را عین الیقین و اطمینان می رساند مانند نفس ناطقه امیر المومنین (ع) که می فرمود: هیچ چیزی مشاهده نکردم مگر آن که خدا را قبل و بعد از آن و همراه آن دیدم و بالاتر از این هم می فرمود، اگر پرده این جهان ماده نیز کنار رود هرگز چیزی بر یقین من افزون نخواهد شد. این مرحله، حقیقت حق الیقین است.

- نفس راضیه

گاهی نفس انسان در اثر درک حقایق و تشخیص فلسفه احکام و حوادثی که در جهان به وجود می آید مانند طوفان، زلزله، سیل و... به قضای الهی راضی می شود و از وقوع هیچ حادثه ای اظهار عدم رضایت نمی کند و هر چه از دوست برسد آن را نیکو می داند، نفس را در این حالت "نفس راضیه" می خوانند. این تسلیم و رضا یکی از حالات بسیار خوب انسان است.

- نفس مرضیه

گاهی نفس در اثر انجام تکالیف شرعی و ادای وظایف عبودیت و بندگی و ترك تمام معاصی و گناهان مورد رضایت و عنایت خاصه پروردگار قرار می گیرد و از این لحاظ در این حالت، آن را نفس مرضیه می گویند.